



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

The Legal Nature of Mortgage of Movable Property (Debt) in Modern French Law with an Assessment of its Feasibility in Iranian Law

Mostafa Harati^{ID}

Department of private Law, Faculty of Law, University of Adian and Mazaheb, Qum, Iran. E-mail: m.harati@urd.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: August 09, 2025

Revised: September 20, 2025

Accepted: October 07, 2025

Published online: 10 October 2025

Keywords:

Iran,
Mortgage,
France,
Movable property,
Debt.

ABSTRACT

The value and validity of any obligation depends on the guarantee of its execution, which is created either by law or under a contract. Logically, an obligation that has the sufficient assurance of performance and execution is more likely to be accepted by the obligor or creditor. Accordingly, the creditor seeks to obtain multiple forms of security to ensure the fulfillment of the obligation. From a legal perspective, the debtor's property is the collateral for the creditors' claims, and some creditors may have priority over other creditors depending on the type of claim. Among the debtor's property, only immovable property is recognized as a valid collateral, and this is because immovable property is more compatible with the formalities of a mortgage contract, especially the ability to collect and fully exercise the rights of creditors. However, in other legal systems, especially in French law, the legislator, in response to social needs and with the aim of facilitating commercial and economic activities, has sought to recognize other forms of collateral, such as claims against third parties. In this research, we aim to examine the legal framework of mortgage of movable property, especially debt, in modern French law, and from its results, to assess the feasibility of realizing mortgage of debt under Iranian law.

Cite this article: Harati, M. (2025). The Legal Nature of Mortgage of Movable Property (Debt) in Modern French Law with an Assessment of its Feasibility in Iranian Law. *Private Law*.22 (1), 125-138. <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.400390.1007406>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.400390.1007406>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

ماهیت حقوقی رهن اموال منقول (طلب) در حقوق جدید فرانسه با امکان سنجی تحقق آن در حقوق ایران

مصطفی هراتی

گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: m.harati@urd.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

کلیدواژه:

ایران،

رهن،

طلب،

فرانسه،

مال منقول.

ارزش و اعتبار هر تعهد مبتنی بر ضمانت اجرای آن است که یا به موجب قانون یا وفق قرارداد ایجاد می‌شود. منطقاً تعهدی که دارای پشتوانه لازم از جهت ایفا و اجرای تعهد است بیشتر از سوی متعهدله یا طلبکار مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در این زمینه، توجه شخص یادشده بر آن است که تضمین‌های متعددی را بتواند کسب کند. از منظر حقوقی، اموال مدیون وثیقه طلب طلبکاران است و هر یک بر حسب نوع طلب ممکن است نسبت به سایر دائین برتری داشته باشند. از میان اموال مدیون، تنها مال غیر منقول به عنوان وثیقه معتبر شناخته می‌شود و آن به این جهت است که مال غیر منقول با تشریفات عقد رهن به‌خصوص قابلیت قبض و استیفای کامل حقوق طلبکاران سازگاری بیشتری دارد. اما در نظام‌های حقوقی دیگر، به‌خصوص حقوق فرانسه، تلاش قانونگذار بر حسب مقتضیات جامعه و ایجاد سهولت در امور تجاری و اقتصادی به این سو رفته تا سایر وثایق همچون طلب بر عهده دیگری نیز مورد شناسایی قرار گیرد. در این پژوهش بر آن هستیم تا نظام حقوقی رهن اموال منقول به‌ویژه طلب را در حقوق جدید فرانسه مورد بررسی قرار دهیم و از رهاورد آن امکان سنجی تحقق رهن طلب در حقوق ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

استناد: هراتی، مصطفی (۱۴۰۴). ماهیت حقوقی رهن اموال منقول (طلب) در حقوق جدید فرانسه با امکان سنجی تحقق آن در حقوق ایران. حقوق خصوصی، ۲۲ (۱) ۱۲۵-۱۳۸.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2025.400390.1007406>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.400390.1007406>



مقدمه

به طور کلی در جامعه حقوقی ایران یک نگاه منفی نسبت به ماهیت حقوقی عقد رهن وجود دارد. چون رهن بدون اینکه معوض اقتصادی و مالی را به دست آورده باشد مال خود را در رهن دیگری قرار می‌دهد و ضبط مال و فروش آن جهت پرداخت دین مدیون ضمانت اجرای سنگینی است. همین نگرش سبب شده است این تأسیس حقوقی همچنان در وضعیت اولیه و سستی خود باقی بماند و بر این اساس در ارکان آن تحولات خاصی صورت نپذیرفته است. از سوی دیگر، در حقوق ایران عقد رهن از نوع عقود عینی است؛ به بیان دیگر در آن قبض شرط صحت است و به واسطه اینکه قبض ضرورت دارد عینی بودن آن نیز حائز اهمیت است. باید مال مرهونه از نوع مال غیر منقول باشد و قانون مدنی به اقتباس از فقه تمام احکام و آثار آن را تبیین کرده است. در متون فقهی نیز حسب شرایط و اوضاع و احوال آن زمان صرفاً رهن نسبت به اموال غیر منقول در نظر گرفته شده بود و اموال منقول به عنوان موضوع عقد رهن شناسایی نشده بود. این منشأ سبب شد تا رهن تک‌بُعدی باشد و صرفاً در مورد اموال غیر منقول ایجاد شود.

در حقوق کشورهای دیگر در زمینه نهاد حقوقی عقد رهن تحولات گسترده‌ای صورت گرفته و چهره منفی آن به مرور زمان زدوده شده و از آن به عنوان وسیله‌ای در جهت توسعه فعالیت‌های تجاری، تولیدی، و اقتصادی استفاده شده است. در واقع، اگر تضمین‌های قراردادی به موارد خاصی نظیر رهن اموال غیر منقول یا ضمانت‌نامه بانکی محدود باشد، موانع متعددی به وجود می‌آید و این در تعارض با ماهیت اعمال تجاری است؛ اعمالی که بر پایه سرعت در عمل بنا شده‌اند و می‌طلبند که تجار و اعمال تجاری آنان درگیر قواعد و مقرراتی نباشند که در تعارض با اهداف مورد اشاره است. بنابراین با شناسایی رهن اموال منقول، به‌خصوص منقول اعتباری، زمینه رشد اقتصادی بیشتری فراهم می‌شود و در عمل همه اقدامات و اعمال مالی و حقوقی شفافیت حداکثری پیدا می‌کنند.

قانون مدنی فرانسه بر مبنای نگرش قانونگذاران سال ۱۸۰۴ وفادار به دیدگاه کلاسیک در مورد بسیاری از مفاهیم حقوقی از جمله رهن بوده‌اند. ایجاد محدودیت در قدرت مالکیت رهن از منظر تدوین‌کنندگان قانون مدنی رکن اساسی در رهن را ایجاد می‌کند. به مرور زمان و بر حسب اقتضات زمانه و جهت تسهیل در مراودات، این دیدگاه بین حقوقدانان ایجاد شد که نباید رهن محدودیتی در تصرف مالکانه خود داشته باشد و صرفاً تقدم نسبت به سایر طلبکاران در وصول طلب می‌تواند مبنایی برای شناسایی عقد رهن باشد. بر این اساس در اصلاحات قانونی صورت‌گرفته، به‌خصوص بر اساس اصلاح حقوق قراردادها در سال ۲۰۰۶، قانونگذار فرانسوی در مقام آن برمی‌آید که رهن تمام اقسام اموال منقول، اعم از مادی و اعتباری، را شناسایی کند (Bourassin, 2014: 59). اما، در جریان این اصلاحات، ابتکار و تدبیر قانونی بر آن بوده است که اموال منقول به طور مجزا و در دو قالب مادی و اعتباری مورد سنجش قرار گیرد و در هر یک روند حقوقی متفاوتی طی شود. زیرا تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد؛ نظیر آنکه رهن اموال منقول اعتباری به دو صورت قراردادی و قضایی واقع می‌شود، درحالی‌که رهن مال منقول مادی صرفاً می‌تواند ماهیتی قراردادی داشته باشد. از سوی دیگر، انواع مختلف رهن حسب مزایای مربوطه در قسمت‌ها و بخش‌های مختلف قانونی مورد شناسایی قرار گرفته است که از جمله می‌توان به رهن سرقفلی اشاره کرد.

نقش اموال اعتباری در حقوق

اموال غیر مادی نسبت به گذشته جایگاه ویژه و ارزشمندی را به دست آورده و جنبه اعتباری آن، که ارزش اقتصادی دارد، افزایش یافته است. از سوی دیگر، مزیت‌های زیادی نسبت به اموال مادی دارند؛ از جمله آنکه در معرض از بین رفتن و تخریب و کسر ارزش اقتصادی نیستند و برای اینکه موضوع عقد رهن قرار گیرند گزینه مناسبی محسوب می‌شوند. همچنین در جریان اقدامات قانونی، نظیر نقل و انتقال و بازداشت، مشکلاتی که در حوزه اموال عینی وجود دارد در این زمینه دیده نمی‌شود و سهولت قضایی را برای دستگاه قضا و نهادهای اجرایی به وجود آورده است. این مهم در تجارت بین‌الملل دارای ارزش بالایی است، به‌ویژه آنکه نقل و انتقال آن از مرزها و از کشوری به کشور دیگر بدون محدودیت صورت می‌گیرد. این موارد سبب شده است تا توافق برای به رهن گذاشتن و ایجاد وثیقه نسبت به این اموال بیشتر صورت گیرد و مورد استقبال واقع شود. سبد اموال

اعتباری در انواع مختلفی قابل بررسی و شناسایی است و حقوق مال ناشی از قرارداد، مطالبات، مالکیت فکری، و غیره را شامل می‌شود.

مطالبات در میان اموال اعتباری دارای ماهیت حقوقی دوجهی است؛ به این معنا که اساس طلب بر یک رابطه تعهدی بین دائن و مدیون دایر بر پرداخت وجهی استقرار یافته است. بنابراین می‌توان آن را در قالب حق تعهدات مورد تحلیل قرار داد. برخلاف گذشته، که مدیون در طلب شخصاً تحت سیطره و کنترل دائن قرار می‌گرفت و در اثر عدم پرداخت به بردگی طلبکار می‌آمد، در حال حاضر صرفاً ذمه مدیون در این رابطه متعهد است و در اثر عدم پرداخت به بردگی در نمی‌آید و این یک تحول مهم در جریان تاریخ حقوق تعهدات و قراردادها است. اما وجه دیگر دین بر جایگزینی نسبت به اموال قرار می‌گیرد. در واقع در صورتی که مدیون از پرداخت دین استنکاف ورزد، اموال او موضوع ایفای تعهد قرار می‌گیرد و اصطلاحاً می‌گویند از محل اموال او دین مستهلک می‌شود. از منظر حقوقی، هر یک از این خصیصه‌ها در ارتباط با یک‌دیگر است و در اثر این رابطه است که طلب ماهیت حقوقی خود را پیدا می‌کند و دارای ضمانت اجرای لازم می‌شود. بنابراین، طلب مالی را می‌توان نوعی از حق در نظر گرفت که در رابطه مستقیم بین حقوق تعهدات و حقوق اموال^۱ است.

مطالبات مالی نوعی مطمئن از اموال غیر مادی است که می‌تواند بدون هیچ مقاومتی موضوع سند رهنی قرار گیرد. چون در ایفا و پرداخت آن تضمین وجود دارد. در واقع اگر مدیون دین را ایفا نکند، طلبکار می‌تواند از اموال مدیون طلب خود را دریافت کند. بنابراین زمانی که دائن طلبی را به رهن ثالث به عنوان تضمین پرداخت دین خود قرار می‌دهد، این اطمینان برای انتقال‌گیرنده وجود دارد که در صورت مراجعه به دین ناشی از سند رهنی، بدون مشکل، به طلب خود خواهد رسید.

اطلاع مدیون از عقد رهن و مکتوب بودن آن

در قانون قدیم فرانسه و بر حسب ماده ۲۰۷۵ قانون مدنی^۲، اطلاع شخص مدیون از اینکه بین دائن و ثالث انعقاد عقد رهنی در خصوص دین صورت گرفته است شرط ضروری شناخته می‌شد و این خود به یکی از ابهامات حقوق فرانسه تبدیل شده بود. عموماً این عقیده ابراز شده است که مدیون باید از عقد رهن نسبت به دین خود مطلع شود، بدون اینکه رضایت او در این خصوص ضرورت داشته باشد. در واقع، اثر قراردادها نسبی و صرفاً در خصوص طرفین آن دارای اثر و اعتبار است، اما نباید یک تعهد موجب ورود ضرر به دیگری شود. در وضعیتی که طلبی در رهن دیگری قرار می‌گیرد مدیون با آنکه میل و رغبتی به ایفای دین نسبت به ثالث ذی‌نفع ندارد باید تن به این عقد دهد. اما اطلاع مدیون از پروسه رهن این‌گونه است که اظهارنامه‌ای برای او ارسال می‌شود یا اینکه مدیون در زمان منعقد شدن رهن حاضر خواهد بود. اما چنانچه متعهد دین از انتقال طلب و عقد رهن مطلع نشود، وفق اصل آزادی قراردادی، این انتقال معتبر و موجد آثار قانونی لازمه خواهد بود. البته نسبت به مدیون قابلیت استناد^۳ ندارد (Legais, 1986: 225). از سوی دیگر، ضرورت دارد که رهن یادشده به صورت مکتوب و از طریق دفاتر اسناد رسمی تنظیم شود و مدیون نیز با این انتقال به صورت کتبی و رسمی موافقت کند. این موضوع بیانگر آن است که قانون درصدد آن بوده است تا انعقاد رهن طلب بیشتر جنبه رسمی و تشریفاتی داشته باشد و جزء عقود رضایی نباشد (Com. 19 mai 1980, Bull. civ. IV, no 293, D. 1980. 443, note A. Bénabent). رعایت این روند شکلی تا آنجا دارای اهمیت است که دیوان عالی فرانسه اعلام می‌کند در صورتی که رهن منعقد دارای این شرط یا خصیصه نباشد، ماهیت واقع شده صرفاً تعهد به رهن^۴ است. اهمیت موارد شکلی پیش‌گفته در سایر موارد هم تأثیرگذار بوده است؛ مثلاً، در صورتی که مدیون تاجر باشد و پروسه توقف و ورشکستگی شروع شود، رهن دین و حتی قبولی بعد از آن تاریخ هم قابل قبول نیست و رهن منعقدشده فاقد آثار قانونی است

1. droit des biens.

2. article 2075:

Le privilège énoncé en l'article précédent, ne s'établit sur les meubles incorporels, tels que les créances mobilières, que par acte public ou sous seing privé, aussi enregistré, et signifié au débiteur de la créance donnée en gage.

امتیاز مندرج در ماده پیشین فقط نسبت به اموال منقول غیر مادی- مانند مطالبات منقول- در صورتی برقرار می‌شود که این امر به موجب سند رسمی یا سند عادی دارای امضا که همچنین به ثبت رسیده باشد صورت گیرد و به بدهکار طلب مورد رهن نیز ابلاغ شود.

3. opposabilité.

4. promesse de gage.

(Com. 23 janv. 2001, no 98-10.974). بنابراین مشاهده می‌شود که نه تنها قانون خود محدودیت شکلی در روند انعقاد عقد رهن ایجاد کرده بود، بلکه رویه قضایی در مقام تفسیر موسع از متن قانون بوده؛ نظیر آنکه در بسیاری از موارد رهن منعقد را به واسطه عدم رعایت مکتوب بودن و اطلاع مدیون باطل اعلام کرده است.

با اصلاحات قانونی سال ۲۰۰۶، دیگر ضرورتی مبنی بر اینکه رهن باید به صورت کتبی و رسمی منعقد شود وجود ندارد و اگر عقد رهن به صورت عادی هم تنظیم شده باشد می‌تواند موجد آثار حقوقی و قانونی گردد و از سوی دیگر ارسال اظهارنامه منتفی گشته است و صرفاً این اختیار برای دائن وجود دارد که عقد رهن را در صورت صلاحدید به اطلاع مدیون برساند.

انواع موضوع عقد رهنی

گذشته از تحولات قانونی، به واسطه اینکه ایجاد محدودیت در مالکیت عین مرهونه به عنوان اصل بنیادین در انعقاد عقد رهن مطرح بود، عقد یادشده شمول و گستردگی قابل توجهی نداشت. اما به مرور زمان و با عبور از این قاعده مصادیق موضوع عقد فراوانی متنوعی پیدا کرد. حتی در رویه قضایی به این سمت و سو رفت که طلبی که در آینده ایجاد خواهد شد نیز می‌تواند مبنایی برای انعقاد عقد رهن باشد. اما در این فرض جزئیاتی همچون زمان ایجاد طلب، مبلغ، مدیون، و مکان پرداخت یا مبادله باید معلوم و معین باشد. بررسی پاراگراف سوم ماده ۲۳۵۶ قانون مدنی فرانسه در مقام تبیین این شرایط ضروری است. از سوی دیگر، راهن زمانی می‌تواند محقق شود و به حقوق ایجادشده از عقد رهن استناد کند که طلب ایجاد شده باشد. به نظر می‌رسد ماهیت عقد رهن در این وضعیت جنبه معلق داشته باشد^۱ (Aynès, 2007: 48).

از سوی دیگر، وفق قانون قدیم و جدید، این امکان در نظر گرفته شده است که منافع مرتبط با طلب موضوع عقد رهنی که به مرور زمان به وجود می‌آید نیز مشمول عقد رهن می‌شود. در واقع، به تبعیت از اصل طلب، منافع آن نیز مشمول احکام رهن خواهد بود و مرتهن می‌تواند طلب خود را از اصل و فروع آن دریافت کند. اما ابداع جالب قانونگذار فرانسوی آن بوده که چنانچه مبلغ طلب مرتهن کمتر از اصل مبلغ طلب موضوع عقد رهن باشد در این فرض از منافع باید طلب استیفا شود و در نهایت مدیون باید طلب را در برابر راهن پرداخت کند (Domat, 1696: 149). در حقیقت، دلیل این امر ارتباط و یکپارچگی مال مرهونه است و اینکه مرتهن نمی‌تواند مازاد بر طلب خود حقی را به دست آورد. در ادامه، موارد مهمی از عقد رهن نسبت به اموال منقول غیر مادی یا اعتباری تشریح می‌شود.

رهن حساب بانکی

رهن حساب بانکی یکی از انواع خاص از رهن منقول است که در اصلاحات اخیر از سوی قانونگذار فرانسوی نظام حقوقی آن تبیین شد. شناسایی این نوع از رهن از آن جهت قابل توجه است که حساب بانکی اشخاص در نظام پولی و بانکی فرانسه دارای اعتبار خاصی است. اولاً اشخاص نمی‌توانند در بانک‌های مختلف حساب‌های بانکی متعددی داشته باشند، چون به موازات آن باید مالیات بیشتری پرداخت کنند و از سوی دیگر بانک در جریان ارائه خدمات مابه‌ازاء یا هزینه خدمات را دریافت می‌کند. ثانیاً تمامی اشخاص بر حسب شغل و میزان درآمد تا مبلغی معین نزد بانک دارای اعتبار هستند؛ به این معنا که اگر حساب بانکی آنان منفی شد، بانک تا مبلغی معین تعهد بر پرداخت را بر عهده دارد و صاحب حساب باید در مهلت معین این کسری حساب را تأمین کند. اگر حساب شخص مانده بدهی زیادی داشته باشد و تعیین تکلیف نشود، امکان افتتاح حساب در سایر بانک‌ها اساساً وجود نخواهد داشت. بنابراین حساب بانکی فی‌نفسه دارای ارزش اقتصادی است. شخص می‌تواند حساب بانکی را به عنوان تضمین رهن دین

1. article 2356:

A peine de nullité, le nantissement de créance doit être conclu par écrit. Les créances garanties et les créances nanties sont désignées dans l'acte. Si elles sont futures, l'acte doit permettre leur individualisation ou contenir des éléments permettant celle-ci tels que l'indication du débiteur, le lieu de paiement, le montant des créances ou leur évaluation et, s'il y a lieu, leur échéance.

عقد رهن طلب باید به صورت کتبی منعقد شود، در غیر این صورت باطل در نظر گرفته می‌شود. در سند رهن، مطالبات تضمین شده و مطالبات موضوع رهن باید به طور صریح تعیین شوند. چنانچه این مطالبات آینده باشند، سند باید امکان شناسایی فردی آن‌ها را فراهم آورد یا حاوی اطلاعاتی باشد که چنین شناسایی را ممکن سازد، از جمله: ذکر نام بدهکار، محل پرداخت، مبلغ مطالبات یا نحوه ارزیابی آن‌ها، و در صورت وجود، سررسید آن‌ها.

قرار دهد و در هنگام انعقاد عقد رهن باید مبلغ حساب بانکی معین باشد، خواه آنکه در آن هنگام این مبلغ در حساب بانکی وجود داشته باشد خواه امکان تأمین آن در آینده فراهم شود.

ماده ۲۳۵۶ قانون مدنی فرانسه در مقام تبیین شرایط این نوع از عقد رهن است. حساب بانکی می‌تواند مربوط به ثالثی باشد که به شخصی مدیون است و شخص اخیر در برابر دیگری متعهد به پرداخت در مورد تعهدی است. در این حالت، در صورتی که انعقاد عقد رهن به اطلاع صاحب حساب رسیده باشد این اطلاع باعث می‌شود حق ذی‌نفع رهن در برابر دیگران قابل استناد شود؛ به‌خصوص اینکه چنانچه در این وضعیت نسبت به صاحب حساب عملیات تصفیه، ورشکستگی و یا غیره در جریان باشد، رهن می‌تواند به حق تقدم خود استناد کند. البته بانک‌ها به منظور تأمین مبلغ موضوع عقد رهن و پرداخت آن ابتدا تمام چک‌های صادره را پرداخت می‌کنند و پس از اینکه کلیه عملیات واریز وجه خاتمه یافت نسبت به مرتهن اقدام به پرداخت می‌کنند (Synvet, 2007: 62). در شرایطی که پروسه قضایی در جریان باشد، مبلغ محکوم‌به و مبلغ موضوع عقد رهن توأمان محاسبه می‌شوند؛ ابتدا مبلغ رهن و سپس محکوم‌به پرداخت می‌شود. مازاد بر طلب مرتهن نیز متعلق به سایر طلبکاران خواهد بود. از سوی دیگر این اختیار برای اصحاب قرارداد رهنی وجود دارد که این امکان را برای مرتهن در نظر بگیرند که در شرایط خاصی بر حسب مورد بلوکه شدن موجودی حساب را از بانک درخواست کنند. اگر این توافق به اطلاع بانک برسد، بانک وفق مفاد توافق عمل خواهد کرد (Gijbsbers et Julienne, 2015: 28).

رهن طلب تضمین شده با رهن

رهن طلب تضمین شده با رهن دیگری قسم دیگری از رهن منقول است. در این حالت، رهن در واقع طلبی را در رهن مرتهن قرار می‌دهد که این طلب با رهنی دیگر تضمین شده است؛ نظیر آنکه مؤسسه مالی و اعتباری تسهیلاتی را به دیگری اعطا می‌کند و تسهیلات گیرنده در قبال آن ملکی را به وثیقه قرار می‌دهد. چنانچه این مؤسسه در قبال بانک دیگر یا در قراردادهای خود با اشخاص ثالث قصد ایجاد رهن و تضمین داشته باشد، طلبی که از تسهیلات گیرنده دارد در رهن طرف مقابل قرار می‌دهد. در این وضعیت طلب با رهن دیگری که همان وثیقه ملکی است تضمین شده است. وجه تمایز این نوع از رهن در آن است که رهن مورد نظر باید از نوع مال غیر منقول باشد و از سوی دیگر از نظر شکلی ضرورت دارد وفق قانون تعیین طریق انتقال طلب^۱ مصوب ۱۹۶۷ با روش ظهنرویی^۲ و از مجرای دفاتر اسناد رسمی این انتقال تضمین شده باشد. در واقع، برگه مخصوص شناسایی طلب با ظهنرویی^۳ در دفتر اسناد رسمی منتقل می‌شود. سردفتر، در ادامه، مستندات این رهن را به کلیه طرفین آن از طریق اظهارنامه رسمی ابلاغ می‌کند و بر حسب ماده ۶ همان قانون از تاریخ ابلاغ است که آثار این رهن نسبت به دین تضمین شده محقق می‌شود. از سوی دیگر مدیون با طی تشریفات یادشده دیگر نمی‌تواند مدعی عدم ایفای دین در برابر ثالث شود و به استثنائات استناد کند. در واقع، رهن صورت گرفته قابلیت استناد در قبال او را پیدا می‌کند (Com. 14 janv. 2014, no 12-22.909, D. 2014. 206, obs. A. Lienhard; JCP 2014. Doctr. 636, no 7, obs. Ph. Pétel).

رهن طلب به عنوان تضمین تعهدات مالی

رهن طلب به عنوان تضمین تعهدات مالی نوع دیگری از رهن منقول است که در آن صرفاً طلب از ثالث نقش تضمین را ایفا می‌کند و دائن می‌تواند در روابط قراردادی خود با دیگران آن را وثیقه دین خود قرار دهد و در صورت عدم ایفای تعهدات مربوطه این حق برای ذی‌نفع رهن برقرار است که به مدیون مراجعه و پرداخت را مطالبه کند (Auckenthaler, 2005: 43). در واقع به علت آنکه در نظام اقتصادی فرانسه شفافیت کامل در کلیه امور اقتصادی اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی وجود دارد، هر تعهدی دارای ارزش مالی خواهد بود و به واسطه شیوه‌های مختلف امکان استیفای طلب وجود خواهد داشت و اشخاص فراتر از توان مالی و اقتصادی خود ایجاد تعهدات نمی‌کنند. چون ایجاد دین بدون پشتوانه ضمانت‌های اجرای کیفری و حقوقی متعددی در پی

1. loi no 76-519 du 15 juin 1976.

2. Endossement.

3. copie exécutoire à ordre de la créance.

خواهد داشت. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰ طی دستورالعملی^۱ امکان چنین رهنی را مطرح می‌کند و متعاقب آن در سال ۲۰۰۵ قانونگذار فرانسوی رهن یادشده را شناسایی^۲ و نظام حقوقی آن را در ماده ۲۱۱-۳۶ L قانون پولی و مالی^۳ خود تبیین می‌کند. در مقررات پیش گفته سعی بر آن شده است تا حداکثر حمایت از حقوق مرتهن صورت گیرد؛ از جمله آنکه در صورتی که رهن متوقف و ورشکسته شود و پروسه بازسازی تجاری^۴ یا تصفیه^۵ در جریان باشد یا اینکه از طریق اجرای احکام توقیف^۶ اموال او صورت گیرد، تأثیری در حقوق رهن ندارد. چون حق رهن مقدم بر سایر حقوق است. البته در فرض ورشکستگی ضرورت دارد در عقد رهن در تاریخ توقف منعقد نشده باشد (JCP 2011. Doctr. 226, no 19, obs. Ph. Delebecque; D. 2010. 1340, (obs. A. Lienhard).

رهن بیمه عمر

رهن بیمه عمر از جمله مواردی است که نظام حقوقی آن بر حسب اهمیت از جانب قانون تعیین شده است. از باب بیمه عمر باید بیان داشت که نهاد یادشده به مرور زمان از سوی قانونگذار فرانسوی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است از جهت اینکه کارایی زیادی می‌تواند داشته باشد، اعم از اینکه به بازماندگان بعد از فوت بیمه‌گذار اموالی خواهد رسید که در این حالت موازی با وصیت عمل می‌کند یا آنکه در حین حیات بیمه‌گذار و بعد از اتمام مدت زمان انقضای بیمه مبلغی که دربردارنده اصل مبلغ واریزی به انضمام سود و منفعت است از سوی بیمه‌گر پرداخت می‌شود که اکثراً برای بعد از زمان بازنشستگی است و سرمایه‌ای برای ادامه زندگی شمرده می‌شود. بنابراین، بر حسب ماهیت، سرمایه‌گذاری از منظر حقوقی دارای ارزش اقتصادی است و ما می‌توانیم آن را به عنوان مصداقی از سبب دارایی اشخاص لحاظ کنیم. بر این مبنا و حسب مالیتی که دارد این امکان هست که بیمه‌گذار آن را به عنوان وثیقه دیون خود در برابر ثالث قرار دهد و در صورتی که متعهد دیون خود را ایفا نکند، طلبکار می‌تواند به بیمه‌گر مراجعه و مطالبه طلب کند. در این حالت، از ارزش بیمه عمر کاسته می‌شود؛ به این طریق که چنانچه دین به مبلغ سی‌هزار یورو باشد و قیمت بیمه با احتساب مبالغ واریزی و سود حاصله مبلغ پنجاه‌هزار یورو شود، در نهایت ارزش بیمه به بیست‌هزار یورو کاهش پیدا می‌کند (Civ. 2e, 2 juill. 2020, no 19-11.417, D. 2020. 1452; Rev. prat. rec. 2020. 6, obs. D Cholet; Rev.). اما برخلاف سایر موارد رهن، در این نوع از وثیقه موافقت کتبی به موجب اسناد رسمی از سوی شرکت بیمه‌گر ضرورت دارد. در واقع ما با یک موافقت‌نامه سه‌جانبه روبه‌رو هستیم. علت این موضوع آن است که احتمال دارد اختیارات طلبکار حقوق بیمه‌گذار یا مدیون را تحت شعاع قرار دهد. بنابراین رضایت او نسبت به قرارداد رهن ضروری است (Leblond, 2007: 140). از سوی دیگر، ابهامی که مطرح می‌شود در فرضی است که ذی‌نفع بیمه‌گذار نباشد؛ به عبارت دیگر، ممکن است بیمه عمر در نفع و انتفاع شخص ثالث و عموماً ورثه منعقد شده باشد. در این وضعیت، تردید وجود دارد که آیا حسب دخیل بودن حقوق شخص ثالث امکان رهن وجود دارد یا خیر؟ تا قبل از سال ۲۰۰۷ رویه قضایی متضادی در این زمینه وجود داشت تا اینکه اصلاحات همان سال قانون رهن را معتبر دانست و حتی در فرضی که ثالث قبولی مبنی بر برخورداری از منافع بیمه عمر را اعلام داشته باشد، طلبکار می‌تواند طلب خویش را از محل ارزش مالی بیمه مطالبه کند. در واقع این دیدگاه مطرح می‌شود که تا زمانی که فوت بیمه‌گذار واقع نشده است، قرارداد بیمه جزء دارایی او محسوب می‌شود و بعد از فوت است که حقوق ثالث به موضوع قرارداد استقرار پیدا می‌کند. بنابراین تا قبل از فوت حق ثالث ثابت نیست و وضعیتی متزلزل دارد. البته در باب حدود اختیارات بیمه‌گذار بیان این نکته ضروری است که اعمال تغییرات به نحوی که حقوق طلبکار را تحت شعاع قرار دهد معتبر نخواهد بود. در واقع ممکن است بیمه‌گذار با سوءنیت اقدام به تغییر نحوه واریز وجه و حتی چگونگی بازپرداخت کند. این اقدام قابلیت استناد در برابر طلبکار را نخواهد داشت. از سوی دیگر حسب آنکه بیمه‌گر نیز در جریان انعقاد رهن قرار گرفته باشد،

1. no 2002/47/CE, JO no L 168 du 27 juin, p. 43.

2. ordonnance no 2005-171 du 24 février 2005.

3. code monétaire et financier.

4. redressement judiciaire.

5. ouverture d'une procédure collective.

6. Saisie.

درخواست بیمه گذار از باب تغییر را قبول نخواهد کرد (Com. 12 juill. 2005, no 04-10.214, Bull. civ. IV, no 175, D.) (2005. 2142, obs. X. Delpech, JCP 2005. I. 185, no 17, obs. Ph. Delebecque).

نحوه اجرای رهن

در حقوق ایران در باب رهن این گونه آمده است که در صورتی که رهن یا مدیون اصلی دین خود را پرداخت نکند، این حق برای مرتهن وجود دارد که طلب خویش را از رهن بخواهد و در صورتی که طلب استیفا نشود تأمین طلب از محل وثیقه صورت می گیرد. در حقوق فرانسه نیز چنین روندی وجود دارد. اما در رویه قضایی این سؤال مطرح است که آیا مرتهن می تواند با عدم پرداخت دین اصلی از سوی مدیون اولیه مستقیماً به وثیقه رجوع کند و آن را به مالکیت خود درآورد. مبنای این ایده آن است که مرتهن دارای حقی تبعی نسبت به مال موهونه است و با عدم استیفای دین موجبات انتقال خودبه خودی مال به مالکیت مرتهن برقرار می شود. در رویه قضایی فرانسه شرط تملیک در صورت عدم پرداخت بدهی^۱ اساساً ممنوع شده است. چون در این حالت ممکن است مال مرهونه دارای ارزش اقتصادی بالایی باشد و از طریق تملیک مستقیم موجبات دارایی ناعادلانه^۲ فراهم می شود. از سوی دیگر، عقد رهن صرفاً موجد حق تمایز در استیفای طلب در برابر سایر طلبکاران خواهد بود. اگر امکان تملیک مستقیم وجود داشته و آن ملک نیز دارای ارزش اقتصادی بالایی باشد، در عمل مدیون و سایر طلبکاران متضرر خواهند شد (Billiau et al., 1996: 207). البته در مقابل اشاره شده است که به واسطه آنکه ارزش اقتصادی مال مرهونه و میزان طلب مشخص است، امکان استیفای ناروا وجود ندارد و طلبکار در عمل به میزان واقعی طلب خود می رسد (Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 573). در برخی از این موارد، این راه حل در نظر گرفته شده بود که رهن می تواند نوعی نمایندگی به مرتهن بدهد و بر اساس این نمایندگی و اختیار است که قادر است مال را تملیک کند (Com. 16 avr. 1996, no 94-14.618). در حقوق ایران و در نظام بانکداری، سابقاً بانک ها از این امکان استفاده می کردند؛ به این نحو که از رهن دهنده در فروش بلاعزل مال مرهونه و کالت نامه می گرفتند و با عدم پرداخت اقساط و به منظور تسویه تسهیلات اقدام به انتقال مال به خود می کردند. بانک مرکزی در مقام مقابله با این رویه بخشنامه ای صادر و اخذ این نوع از وکالت نامه ها را ممنوع اعلام کرد و در پی آن اسناد انتقال یافته از سوی محاکم ابطال شد و متعاقباً در بودجه سال ۱۳۹۱ قانونگذار چنین ممنوعیتی را رأساً و عملاً وارد قانون کرد. اما در عمل این مشکل قضایی به وجود آمد که ملک، با ابطال اسناد انتقال، دیگر به وضعیت رهنی سابق بر نمی گشت و ملک به مالکیت اولیه رهن درمی آمد که می توانست به ثالث آن را منتقل کند. در واقع، اعاده وضع به حالت سابق و در رهن قرار گرفتن ممکن نبود. چون ملک عملاً فک رهن شده بود (توفیق، ۱۴۰۳: ۱۶۴).

در مورد زمان امکان مراجعه به رهن نیز باید بیان داشت که اگر طلب حال نباشد، در این صورت مرتهن باید صبر کند تا موعد پرداخت طلب فرا برسد. در فرضی که در عقد رهن موعدی پیش بینی شده باشد و این زمان قبل از موعد طلب مرتهن باشد، امکان استیفای طلب از قبل وجود ندارد. در واقع، رهن نوعی ضمانت در پرداخت دین اصلی را فراهم می کند (Com. 15 oct. 1991, no 90-10.530, Bull. civ. IV, no 91, RTD com. 1992. 434, obs. M. Cabrillac et B. Teyssié). اما رویه قضایی این امکان را در نظر گرفته است که پرداخت دین از سوی رهن قبل از فرارسیدن دین اصلی انجام شود؛ با این شرط که این مبلغ باید در حساب بانکی تا زمان حال شدن دین واریز و نگهداری شود تا به این پول منفعت و سود تعلق گیرد و در نهایت از آن محل استیفای طلب محقق شود (Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 57). در اصلاحات ۲۰۰۶ قانون مدنی فرانسه چنین منطقی مورد پذیرش و قانونگذاری قرار گرفت. ماده ۲۳۶۴ قانون مدنی^۳ مشعر بر

1. pacte comissoire.

2. enrichissement sans cause.

3. article de 2364:

Les sommes payées au titre de la créance nantie s'imputent sur la créance garantie lorsqu'elle est échue. Dans le cas contraire, le créancier nanti les conserve à titre de garantie sur un compte spécialement affecté ouvert à cet effet auprès d'un établissement habilité à les recevoir à charge pour lui de les restituer si l'obligation garantie est exécutée. En cas de défaillance du débiteur de la créance garantie et huit jours après une mise en demeure restée sans effet, le créancier affecte les fonds au remboursement de sa créance dans la limite des sommes impayées.

آن است که طلبکار می‌تواند وجه نقد مرتبط با عقد رهن را در مؤسسات مالی و اعتباری که به این منظور ایجاد شده‌اند نگهداری کند تا موعد ایفای تعهد متعهد اصلی فرا برسد. در صورتی که مرتبه ورشکسته شود این طلبکار بر حسب حق تقدم بر سایر طلبکاران دارای حق تقدم است و تا میزان طلب خود می‌تواند از حساب بانکی یادشده برداشت کند و الباقی به طلبکاران مرتبه خواهد رسید. البته به لحاظ شکلی ضرورت دارد در جریان شروع پروسه تصفیه و ورشکستگی، که وفق ماده 7-622 L قانون تجارت فرانسه تصدیق طلب صورت می‌گیرد، به عنوان یکی از دیون بر ذمه ورشکسته از سوی مدیر تصفیه این دین احراز شده باشد. بر حسب نظر برخی از حقوقدانان، این وضعیت به واسطه انتقال طلب است. انتقال طلب بین تجار و غیر آن به طور متناوب استفاده می‌شود. به تجار این امکان را می‌دهد که مطالبات خود از ثالث را به یک مؤسسه اعتباری منتقل کنند و مؤسسه پیش‌گفته وجه آن را پرداخت و به عنوان قائم‌مقام به مدیون اصلی مراجعه می‌کند. از جهت حق تقدم طلبکار، نه تنها به خصیصه حق تقدم عقد رهن اشاره شده، بلکه استدلال می‌شود که طلب موضوع عقد رهن از دارایی مدیون به دارایی طلبکار منتقل شده است و باید استیفا شود (Synvet, 63: 2007). رویه قضایی فرانسه در سال 2010 نسبت به عقود رهنی منعقد قبل از سال 2006 نیز چنین رویه‌ای را اعمال و به این موضوع استناد کرد که طلبکار دارای حق تقدم است و در صورتی که پروسه شکلی در جریان انعقاد عقد رهن رعایت شده باشد، از جمله آنکه عقد رهن به اطلاع مدیون رسیده باشد، طلبکار وارد صف غرما نمی‌شود (Com. 26 mai 2010, no 09-13.388, Bull. civ. IV, no 94; RDC 2010. 13338, obs. A. Aynès; D. 2010. 2201, note N. Borga; RD banc. fin. (juill.-août 2010, no 142, obs. A. Cerles; RTD civ. 2010. 597).

رهن دین در حقوق ایران

مبانی فقهی و قانونی ایران و نقد تحلیلی آن

فقه امامیه، به عنوان یکی از غنی‌ترین نظام‌های حقوقی در حوزه قراردادهای تضامین، عقد رهن را به عنوان نهاد اصلی تضمین دیون بر پایه سه رکن بنیادین استوار ساخته است: نخست، استقرار دین بر ذمه مدیون، به این معنا که التزام مالی باید قطعی و مسلم باشد نه معلق یا نامعین تا وثیقه بتواند کارکرد واقعی خود را ایفا کند؛ دوم، عین بودن مال الرهانه، به این معنا که موضوع رهن باید دارای وجود خارجی و ملموس و مشخص باشد و قابلیت تسلیم و استیلا داشته باشد؛ و سوم، تحقق قبض فیزیکی پیش از کمال عقد، زیرا قبض به عنوان یکی از ارکان ماهوی عقد ضامن امکان فروش و استیفاء طلب از محل رهنه تلقی شده است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۵۵). این سه شرط به هیچ‌وجه امری تصادفی یا صرفاً شکلی نیستند، بلکه در قالب پاسخ به نیازهای امنیت معاملات در جامعه‌ای شکل گرفته‌اند که فاقد ثبت رسمی معاملات، بانک اطلاعات جامع دارایی‌ها، نظام رهگیری مالکیت و ابزارهای پیچیده نقدینگی بوده است (خویی، ۱۳۹۳: ۱۶). در این بستر تاریخی، تنها راه ایجاد وثیقه معتبر برای طلبکار انتقال واقعی یا موقت تسلط بر مال مادی به وی بود تا هر زمان که مدیون از ایفای تعهد خود امتناع ورزد طلبکار بتواند از طریق فروش آن به حقوق خود برسد. بر همین مینا، طلب، حق اعتباری، و سایر اموال غیر مادی به دلیل نداشتن صورت خارجی که امکان قبض و فروش آن به طور مستقیم فراهم باشد از شمول عقد رهن کنار گذاشته شد و نگاه تک‌بعدی به وثیقه که آن را منحصر به عین مادی و اغلب غیر منقول می‌کند تثبیت شد. این رویکرد در قانون مدنی ایران نیز با اقتباس مستقیم از متون فقهی، به‌ویژه در مواد ۷۷۴ و ۷۷۵، بازتاب یافته و تاکنون ساختار اصلی خود را حفظ کرده است؛ هرچند تحولات اقتصادی و حقوقی معاصر آن را با چالش‌های قابل توجهی مواجه ساخته است (شهبازی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

برداشت سنتی فقه امامیه از عین معمولاً آن را به موجودیت‌های مادی، محسوس، و قابل رؤیت فرومی‌کاهد؛ مصادیقی که قابلیت لمس، توزین، یا مشاهده مستقیم دارند و حدود و ابعاد فیزیکی‌شان مشخص است. این تعریف، هرچند در بستر اقتصادی سده‌های پیشین منطقی می‌نمود، در شرایط کنونی که ساختار اقتصاد بر دارایی‌های غیر مادی - مانند مطالبات تجاری، سهام

مبالغی که بابت طلب موضوع رهن پرداخت می‌شود در سررسید بابت تهاثر یا کسر از طلب تضمین شده محسوب می‌شود. در غیر این صورت، طلبکار مرتبه این مبالغ را به عنوان تضمین نزد خود نگه می‌دارد، در حسابی که به این منظور و نزد یک مؤسسه مجاز برای دریافت وجوه افتتاح شده است، با تعهد به اینکه در صورت اجرای تعهد تضمین شده وجوه را مسترد کند. در صورت قصور بدهکار در انجام دادن تعهد مربوط به طلب تضمین شده و پس از گذشت هشت روز از ارسال اظهارنامه‌ای که بی‌نتیجه مانده باشد، طلبکار مرتبه این وجوه را در حدود مبلغ باقی‌مانده بدهی به پرداخت طلب خود اختصاص می‌دهد.

شرکت‌ها، اوراق بهادار، حقوق مالکیت فکری- متکی است موجب کنار گذاشتن بخش مهمی از سرمایه‌های مؤثر از چرخه تضامین می‌شود. افزون بر این، به دلیل پیوند عمیق میان شرط عین بودن و شرط قبض، مفهوم قبض نیز صرفاً در معنای استیلای فیزیکی و تحویل واقعی مال تفسیر شده است. به بیان دیگر، همان‌طور که عین فقط به موجودیت مادی محدود شده، قبض نیز تنها زمانی معتبر دانسته شده که با تصرف حسی همراه باشد. این تفسیر مضیق، درحالی‌که با واقعیت اقتصادی امروز فاصله دارد، عملاً توانایی عقد رهن در پاسخ‌گویی به نیازهای بازارها و معاملات مدرن را محدود ساخته و دامنه کارکرد آن را به اموال غیر منقول یا معدود منقولات فیزیکی کاهش داده است (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۰۹).

حقوقدانان و فقهای معاصر با اتکا به مبانی عرفی و عقلایی مفهوم مال بر این باورند که حصر عقد رهن به عین مادی فاقد پشتوانه اجتناب‌ناپذیر فقهی است. در فقه امامیه مواردی وجود دارد که قبض صرفاً جنبه اعتباری دارد؛ مانند بیع صرف، هبه مال فی الذمه، یا انتقال اوراق بهادار که در آن‌ها تسلیم واقعی مال ناممکن یا غیر ضروری است، ولی عقد معتبر شناخته می‌شود. از این رو، امکان توسعه مفهوم قبض به اشکال نهادی و اعتباری نظیر ثبت رسمی، اعلام به بدهکار اصلی، یا واگذاری سند نمایندگی در چارچوب اصول فقهی وجود دارد. همچنین، اطلاق ماده ۷۹۱ قانون مدنی که جانشینی بدل کلی را در صورت تلف رهنه تجویز می‌کند نشان می‌دهد که قانونگذار پیشاپیش به وثیقه‌گذاری اموال کلی و متعاقباً اموال اعتباری توجه داشته است. به علاوه، غیر آمره بودن حکم ماده ۷۷۴ اجازه می‌دهد که با توافق طرفین رهن دین یا طلب نیز معتبر شناخته شود. این استدلال‌ها، همراه با نمونه‌های موفق اجرایی در دیگر عقود، مبانی حقوقی و فقهی لازم برای پذیرش رهن طلب را فراهم می‌آورد (قاسم‌زاده و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۸: ۹۰).

کاربردهای عملی در نظام بانکی و مالی ایران به روشنی نشان می‌دهد که حتی در غیاب تغییر صریح نصوص قانون مدنی زمینه پذیرش رهن اموال اعتباری و مطالبات از جمله طلب به طور تدریجی و غیر رسمی در حال شکل‌گیری است. نهادهایی مانند خرید دین، رهن سهام، توثیق سپرده‌های بانکی، و حتی استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی به عنوان وثیقه مصادیق برجسته‌ای هستند که در آن بانک‌ها و مؤسسات مالی بدون برآورده شدن شرط قبض مادی و بدون وجود عین فیزیکی اقدام به اعتباردهی بر اساس حقوق اعتباری می‌کنند. این رویکرد در مصوبات و دستورالعمل‌های متعدد شورای پول و اعتبار، مانند آیین‌نامه اجرایی خرید دین مصوب ۴ شهریور ۱۳۸۵ یا مصوبه ۱۳ تیر ۱۳۶۶ در خصوص تسهیلات ویژه طرح‌های ابتکاری، به رسمیت شناخته شده و نظارت شورای نگهبان بر آن مشروعیت فقهی و قانونی این اقدامات را تقویت کرده است (همدانی، ۱۳۷۷: ۲۱۳).

از سوی دیگر، رشد شاخه‌های مختلف بازار سرمایه، از جمله بورس اوراق بهادار و بازار بدهی، عملاً ارزش اقتصادی وثیقه‌های غیر مادی را تثبیت کرده است. امروز، بخش بزرگی از دارایی‌های شرکت‌ها و فعالان اقتصادی نه در قالب اموال منقول یا غیر منقول مادی بلکه در قالب سهام، اوراق بدهی، مطالبات ثبت‌شده، و سایر حقوق مالی تعریف می‌شود. نادیده گرفتن این بخش از دارایی‌ها به معنای مسدود ساختن یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی و کاهش کارایی نظام تضامین است. در مقابل، پذیرش این دسته از وثایق بدون اصلاح ساختاری خطراتی مانند عدم شفافیت مالکیت، امکان توثیق مکرر یک مال، و افزایش دعاوی حقوقی بر سر تقدم طلبکاران را به همراه دارد. از منظر تطبیقی نیز تجربه فرانسه نشان می‌دهد که گذار موفق از وثیقه‌گذاری صرفاً مادی به پذیرش کامل وثایق اعتباری تنها با اتکا به رویه عملی و مصوبات پراکنده محقق نشده، بلکه بر بستر یک نظام ثبت متمرکز وثایق، الزام شفافیت اطلاعاتی، و کنترل کامل جریان نقل و انتقال دارایی‌ها استوار بوده است. در ایران، فقدان این زیرساخت‌ها عملاً پاشنه آشیل هر گونه اصلاح عملی محسوب می‌شود. بنابراین، استمرار روند کنونی پذیرش محدود و غیر رسمی رهن طلب، بدون ایجاد سازکار نهادی برای شناسایی و ثبت و رهگیری مطالبات، می‌تواند موجب افزایش ریسک حقوقی، کاهش اعتماد بازار، و در نهایت بی‌اثر شدن ماهیت تضمینی عقد رهن شود. بر این اساس، اصلاح رسمی قوانین و ایجاد نهادهای ثبت و پایش وثایق منقول مشابه مدل فرانسه شرط لازم برای تبدیل این روند پراکنده به یک رژیم حقوقی پایدار و کارآمد است (شکری، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

تحولات اخیر نظام بانکی ایران نیز نشانه‌ای از حرکت تدریجی به سوی پذیرش وثیقه بر اموال منقول و اعتباری است. به موجب بخشنامه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ بانک مرکزی، که در اجرای آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون «تأمین مالی تولید و

زیرساخت‌ها» صادر شده، به شبکه بانکی کشور امکان داده شده است تا از ۳۵ نوع دارایی به عنوان وثیقه رسمی برای اعطای تسهیلات استفاده کند. فهرست این دارایی‌ها شامل انواع اوراق بهادار بورسی و فرابورسی، دارایی‌های ثبت شده نزد شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، و حتی سهام عدالت است. این بخشنامه با گسترش دامنه مصادیق وثیقه به اموال غیر مادی و دارایی‌های اعتباری گامی عملی در جهت تضعیف انحصار تاریخی وثیقه بر اموال غیر منقول و عینی محسوب می‌شود. در واقع، پذیرش رسمی این دسته از دارایی‌ها به عنوان وثیقه نه تنها هم‌سو با رویکرد موسع در فقه و حقوق ایران است، بلکه از نظر کارکردی ایران را به مدل‌های نوین حقوقی نظیر فرانسه، که مدت‌هاست نظام وثایق منقول کارآمد را اجرا کرده‌اند، نزدیک‌تر می‌سازد. این تحول، اگر با ایجاد سامانه جامع ثبت و رهگیری این وثایق و الزامات شفافیت اطلاعاتی همراه شود، می‌تواند زیرساخت نهادی لازم برای پذیرش عملی و گسترده رهن طلب را در آینده فراهم آورد.

تحلیل تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در رهن طلب و ساختارهای اجرای آن

نظام حقوقی فرانسه مسیر گذار از برداشت کلاسیک به پذیرش گسترده رهن بر اموال منقول، از جمله طلب، را با اصلاحات بنیادین قانونی آغاز کرده است. اصلاحات سال ۲۰۰۶ و متعاقب آن الحاقات به قانون مدنی و قانون پولی و مالی زمینه شمول عقد رهن را بر مطالبات کنونی و حتی مطالبات آینده فراهم آورده‌اند. در این چارچوب، طلب چه به صورت مستقل چه همراه منافع تبعی آن، موضوع عقد رهن قرار می‌گیرد و مرتبه با ثبت رسمی و اطلاع‌رسانی به بدهکار اصلی تقدم حقوقی خود را در برابر سایر طلبکاران تثبیت می‌کند. این تغییر نگرش حاصل دو عامل حیاتی بوده است: نخست، وجود یک نظام ثبت متمرکز وثایق منقول که امکان رهگیری مالکیت و وضعیت حقوقی هر طلب را فراهم می‌آورد و دوم، شفافیت کامل در اطلاعات اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی که به طلبکاران و مراجع قضایی اجازه می‌دهد قبل از انعقاد عقد رهن وضعیت دارایی مدیون را به دقت ارزیابی کنند. همین دو زیرساخت موجب شده است که رهن طلب در فرانسه نه یک ابتکار پراکنده و موردی بلکه یک ابزار مالی روزمره و ایمن باشد (Aynès, 2007: 47).

در حقوق فرانسه، کلید کارآمدی رهن طلب نظام ثبت متمرکز و شفاف وثایق منقول است که بر پایه ترکیبی از مقررات قانون مدنی، قانون پولی و مالی، و آیین‌نامه‌های اجرایی اداره ثبت تجاری و مالی شکل گرفته است. هر وثیقه منقول، اعم از مادی یا اعتباری، باید در پایگاه‌های رسمی مشخص ثبت شود و این ثبت واجد اثر تملیکی و اطلاع‌رسانی در برابر اشخاص ثالث است. پایگاه یادشده نه تنها شامل اطلاعات شناسایی دقیق راهن و مرتبه بلکه مشتمل بر مشخصات فنی و حقوقی طلب، مبلغ، سررسید، ماهیت منافع تبعی، و در صورت وجود، شرایط خاص اجرای حق مرتبه است. مهم‌تر آنکه تاریخ و ساعت ثبت به صورت دقیق درج می‌شود تا حق تقدم طلبکاران بر اساس اصل سبقت در ثبت تعیین شود. این نظام، با جلوگیری از توثیق مکرر یک طلب یا ایجاد حقوق متعارض، ریسک حقوقی را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد. علاوه بر کارکرد ثبت، سیستم فرانسوی مکانیسم‌های الزام‌آور اطلاع‌رسانی به بدهکار اصلی را نیز پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۲۳۵۶ قانون مدنی و مواد L. 211-20 تا L. 211-37 قانون پولی و مالی، ارسال اخطار رسمی به بدهکار از سوی مرتبه یا راهن شرط لازم برای قابلیت استناد رهن در برابر او محسوب می‌شود. این الزام، به‌ویژه در دعاوی اجرا یا ورشکستگی، جایگاه مرتبه را تثبیت می‌کند و مانع آن می‌شود که بدهکار با پرداخت به شخص غیر ذی‌حق عملاً حق مرتبه را دور بزند. افزون بر این، مقررات متضمن دسترسی عمومی و برخط به داده‌های ثبت شده هستند تا نه تنها طلبکاران بالقوه بلکه نهادهای اعتبارسنجی، بانک‌ها، و حتی مراجع قضایی بتوانند در هر لحظه وضعیت حقوقی طلب و بار حقوقی آن را بررسی کنند. ترکیب این شفافیت اطلاعاتی و ترتیب زمانی در ثبت فضایی ایجاد می‌کند که در آن رهن طلب در فرانسه به عنوان یک ابزار مالی ایمن، قابل پیش‌بینی، و کم‌ریسک عمل می‌کند (Bourassin, 2014: 59).

در مقابل، نظام حقوقی و نهادی ایران فاقد زیرساخت‌های مشابه برای ثبت و رهگیری وثایق منقول است. هرچند در قالب سامانه‌هایی مثل ثبت معاملات اموال غیر منقول یا سامانه ثبت وثایق بانکی اقداماتی محدود انجام شده، هیچ بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه برای ثبت و استعلام وضعیت حقوقی مطالبات، اوراق بهادار، یا سایر اموال اعتباری وجود ندارد. این خلأ موجب

می‌شود که طلب یا حق اعتباری به طور هم‌زمان به چند مرتهن مختلف واگذار یا توثیق شود، بدون آنکه طلبکاران بعدی از وجود حق تقدم دیگران مطلع باشند. همچنین، ضعف نظام اعتبارسنجی و نبود الزامات قانونی دقیق برای افشای وضعیت مالی مدیون مانع از آن می‌شود که طلبکار بتواند پیش از انعقاد عقد رهن ارزیابی دقیقی از میزان ریسک بازیافت طلب داشته باشد. این وضعیت در عمل امنیت حقوقی رهن طلب را کاهش می‌دهد و آن را به ابزاری کم‌اعتماد در روابط مالی بدل می‌کند (کریمی، ۱۳۷۶: ۲۲).

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که کارآمدی رهن طلب در فرانسه نه صرفاً نتیجه اصلاحات شکلی در مواد قانونی، بلکه پیامد ایجاد چارچوب نهادی چندلایه است که به طور هماهنگ عمل می‌کند. نخستین لایه نظام ثبت متمرکز و یکپارچه وثایق منقول است که قابلیت اتصال به پایگاه‌های هویتی، نظام بانکی، دفاتر اسناد رسمی، و مراجع قضایی را دارد و بدین وسیله امکان رهگیری لحظه‌ای وضعیت هر طلب را فراهم می‌سازد. دومین لایه شفافیت اطلاعات مالی راهن از طریق الزام به افشای کامل و به‌روز وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌هاست که به مرتهن و سایر طلبکاران اجازه می‌دهد ریسک حقوقی را با دقت محاسبه کنند. سومین لایه ضمانت اجرای مؤثر قانونی و قضایی است که امکان استیفای سریع و بدون فرسایش زمان و هزینه را تضمین می‌کند، چه از طریق فروش مال مرهونه و چه از طریق پرداخت مستقیم از محل طلب.

در ایران، فقدان این سه لایه موجب می‌شود که حتی با تصویب قوانین موسع در باب رهن طلب این ابزار در عمل با مشکلاتی چون توثیق مضاعف، دعاوی طولانی‌مدت، و بی‌اعتمادی نهادهای مالی مواجه شود. راهکار عبور از این وضعیت اتخاذ یک رویکرد هم‌زمان اصلاحی است که از یک سو با ایجاد سامانه ملی ثبت وثایق منقول و اعتباری بستر نهادی لازم را فراهم کند و از سوی دیگر از طریق اصلاح قانون مدنی و قوانین خاص بانکی مفهوم قبض را از معنای صرفاً مادی به معنای اعتباری و نهادی توسعه دهد و اطلاع‌رسانی به بدهکار را شرط اثر در برابر اشخاص ثالث قرار دهد. تنها در صورتی که این اصلاحات نهادی و قانونی به صورت هم‌افزا اجرا شوند می‌توان به کارایی عملی، امنیت حقوقی، و پذیرش گسترده رهن طلب در نظام حقوقی و اقتصادی ایران امید داشت. فرانسه این مسیر را با اتکا به پیوند منسجم میان قانونگذاری و ساختارهای اجرایی طی کرده است و تجربه آن نمونه‌ای عینی از امکان هم‌گرایی موفق در بسترهای حقوقی متفاوت به شمار می‌آید.

نتیجه

تحلیل تطبیقی سیر تحول رهن اموال منقول، به‌ویژه مطالبات، نشان می‌دهد که نقطه تمایز اصلی میان حقوق فرانسه و ایران در برداشت‌های نظری از دو مؤلفه بنیادین مال مرهونه و قبض نهفته است. نظام حقوقی فرانسه که در طول دو قرن گذشته همواره در معرض اصلاحات ساختاری و شفاف‌سازی نظام ثبت و مالکیت بوده است، در اصلاحات سال ۲۰۰۶، با عبور از محدودیت سنتی عینیت رهینه، مفهوم قبض را از معنای مادی و فیزیکی صرف به قلمرو تسلط اعتباری و حقوقی گسترش داد. این تحول مبنایی ابزارهای تأمین دین را از حوزه محدود اموال غیر منقول به بیانیه‌ای جامع شامل مطالبات حال و مؤجل، سهام، حساب‌های بانکی، حقوق مالکیت فکری، و حتی بیمه عمر بسط داده است. این پذیرش گسترده نه تنها محصول رویکرد مترقی قانونگذار به مقتضیات بازار و تجارت، بلکه نتیجه تعامل مثبت میان نص قانون، دکترین حقوقی، و رویه قضایی در انطباق قواعد سنتی با نیازهای نوین بوده است.

از سوی دیگر، مبانی نظری رهن در حقوق ایران عمدتاً بر برداشت کلاسیک فقه امامیه از ماهیت عینیت رهینه و لزوم قبض مادی استوار است؛ برداشتی که ریشه در منطق تاریخی حمایت از طلبکاران در شرایط فقدان نظام ثبت شفاف و فقدان ابزارهای نظارت مالی الکترونیک داشته است. این ساختار موجب شده که رهن مطالبات یا سایر دارایی‌های اعتباری در چارچوب سنتی باطل یا غیر ممکن تلقی شود. با این حال، مطالعه تحلیلی مواد ۷۷۴ و ۷۹۱ قانون مدنی و نیز بررسی آرای فقهایی که قبض را صرفاً در معنای فیزیکی آن معتبر نمی‌دانند نشان می‌دهد که این محدودیت جنبه امره مطلق و غیر قابل تغییر ندارد. افزون بر آن، امکان جایگزینی قبض مادی با قبض اعتباری از رهگذر اسناد رسمی، ثبت در دفاتر بانکی، و سیستم‌های الکترونیکی می‌تواند بدون نقض اصول فقهی دایره شمول رهینه را به اموال اعتباری نیز گسترش دهد.

مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که مزیت اصلی مدل فرانسوی نه صرفاً در پذیرش مفهومی رهن طلب بلکه در تأسیس یک نظام منسجم ثبت، اطلاع‌رسانی، و اولویت‌بندی حقوق عینی نسبت به مال مرهونه است که امنیت قضایی و اقتصادی را تضمین می‌کند. بنابراین، تجربه فرانسه اثبات می‌کند که حذف مانع عینیت به معنای حذف ضمانت اجرای حقوق طلبکاران نیست، بلکه برعکس، می‌توان با ایجاد ابزارهای نظارتی و ثبت دقیق کارایی اقتصادی و اعتبار حقوقی رهن را افزایش داد. از این منظر، حقوق ایران نیز می‌تواند با اتخاذ رویکردی مشابه و بهره‌برداری از ظرفیت‌های خود در قوانین بانکی، تجاری، و فناوری مالی مفهوم مال مرهونه را با مقتضیات امروز بازتعریف کند تا رهن مطالبات، سهام، و سایر حقوق مالی به عنوان ابزارهای معتبر تأمین دین به کار گرفته شوند. چنین اصلاحی، هم‌سو با مبانی فقهی، موجب پویایی نظام تأمینات و ارتقای جایگاه آن در نظام حقوقی و اقتصادی خواهد شد.

تجربه حقوق فرانسه نشان می‌دهد که سازگاری قواعد سنتی با واقعیت‌های اقتصادی نیازمند دو حرکت هم‌زمان است: نخست اصلاح مفهومی قواعد بنیادین و دوم ایجاد زیرساخت‌های اجرایی و نهادی تضمین‌کننده شفافیت و امنیت مبادلات. پذیرش رهن مطالبات در فرانسه پس از اصلاحات سال ۲۰۰۶ نه تنها بدون ایجاد خلل در حقوق طلبکاران محقق شد بلکه با کاهش هزینه‌های مبادلات، افزایش گردش اعتبار، و تقویت بازار سرمایه همراه بود. این تجربه ثابت می‌کند که نهاد رهن در صورتی که به طور هدفمند توسعه یابد، می‌تواند به یکی از کارآمدترین ابزارهای تأمین مالی در سطح کلان اقتصادی تبدیل شود؛ مشروط بر آنکه نظام ثبت، افشای اطلاعات، و اولویت‌بندی حقوق عینی نسبت به سایر طلبکاران با دقت و استمرار اجرا شود.

در حقوق ایران، هرچند بستر قانونی حال حاضر با محدودیت‌های ناشی از تفسیر مضیق از مواد ۷۷۴ و ۷۹۱ مواجه است، تحولات اخیر در حوزه بانکداری، فناوری مالی، و مقررات شورای پول و اعتبار فرصت مناسبی را برای بازنگری در این تفسیرها فراهم کرده است. ابزارهایی مانند سامانه ثبت رسمی وثایق منقول، امکان نظارت سیستمی بر حساب‌ها و مطالبات، و ثبت الکترونیکی قراردادهای ظرفیت‌های فنی لازم برای پذیرش قبض اعتباری را فراهم می‌سازند. از منظر فقهی نیز اتکای صرف به قبض مادی در عصری که معاملات بخش عمده‌ای از دارایی‌ها بر پایه داده‌ها و اعتبارات غیر ملموس شکل می‌گیرد به دور از مقتضیات عرفی و عقلی است و می‌توان با تفسیر موسع مبنای پذیرش وثیقه‌گذاری مطالبات و سایر اموال اعتباری را فراهم کرد.

بر این مبنا، پیشنهاد می‌شود که اصلاحات حقوقی ایران در سه محور جریان یابد: نخست، بازخوانی ماده ۷۷۴ و انتقال آن از شرط عینیت به شرط مالیت به گونه‌ای که شامل اموال اعتباری نیز بشود؛ دوم، طراحی و تقویت نظام ثبت و اطلاع‌رسانی وثایق منقول مشابه نظام فرانسوی برای جلوگیری از تعارض حقوقی و حمایت از مرتبه؛ و سوم، تدوین رویه قضایی منسجم در پذیرش قبض اعتباری و شناسایی ارزش اجرایی آن در محاکم. این سه گام با هماهنگی میان قوه مقننه، قوه قضاییه، و نهادهای مالی امکان هم‌سویی با تجارب موفق بین‌المللی را فراهم می‌آورد و ظرفیت نهاد رهن را از یک ابزار سنتی محدود به یک ابزار مدرن و چندبُعدی در خدمت رشد اقتصادی و تأمین امنیت مبادلات ارتقا می‌دهد.

منابع

- انصاری، مرتضی (۱۳۷۹). مکاسب، ج ۱، قم: محبین.
- توفیق، علی رضا (۱۴۰۳)، حقوق بانکی کاربردی، ج ۱، تهران: اشکان.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۲ ق). فقه الصادق، ج ۱۵، چ ۳، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۳). مصباح الفقاهه فی المعاملات، ج ۲، چ ۲، قم: سیدالشهدا.
- شکری، فریده (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی رهن اموال غیر مادی در حقوق ایران و امریکا، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۸۶)، انتقال و توثیق ضمانت نامه مستقل بانکی، پژوهش های حقوق تطبیقی، د ۱۱، ش ۵۱، صص ۱۱۲-۸۹.
- قاسم زاده، مرتضی و فلاح نژاد، فاطمه (۱۳۹۸)، بررسی جایگاه خرید دین در نظام بانکی ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، د ۲۴، ش ۸۵، صص ۷۷ تیر ۹۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). عقود معین، ج ۴، چ ۲، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
- کریمی، عباس (۱۳۷۶)، رهن دین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، د ۱، ش ۳۸، صص ۲۵-۴۱.
- همدانی، آقارضا (۱۳۷۷)، مصباح الفقیه، ج ۳، چاپ سنگی، قم: مکتب صدر.
- Ansari, M. (1990). *Makaseb*. Qom: Mohebeen Publications. Vol. 1. (in Persian)
- Billiau, M., Mestre, J., & Putman, E. (1996). *Droit spécial des sûretés réelles*. LGDJ.
- Domat, J. (1696). *Les lois civiles dans leur ordre naturel*, liv. III, tit. I, sect. IV, V, 2e éd.
- Ghasemzadeh, M. & Fallahnejad, F. (2019). Investigating the Position of Buying Religion in the Iranian Banking System. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, Vol. 24, Issue 85. (in Persian)
- Hamedani, A. (1998). *Misbah al-Faqih*. Lithography, Sadr School. Vol. 3. (in Persian)
- Hosseini Rouhani, S. (1992). *Fiqh al-Sadiq*. 3rd edition. Qom: Dar al-Kitab Institute. Vol. 15. (in Persian)
- Karimi, A. (1997). *Rahne al-Din*. *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, Issue 38. (in Persian)
- Katouzian, N. (1997). *Mu'in Contracts*. 2nd edition. Publishing Company in Cooperation with Bahman Borna Company, Modarres Publications. Vol. 4: Promissory-Secure Contracts of Religion. (in Persian)
- Khoei, S. (2014). *Misbah al-Fiqah fi al-Ma'alat*. 2nd edition. Qom: Seyyed al-Shuhada. Vol. 2. (in Persian)
- Leblond, N. (2007). *Assurances et sûretés*, thèse dactyl., Paris II, nos 516 s., spéc. no 521.
- Legais, D. (1986). *Les garanties conventionnelles sur créances*, th. Economica.
- Shahbazinia, M. (2007). Transfer and Verification of Independent Bank Guarantee. *Modares Humanities Quarterly Journal*, Vol. 11, Issue 51. (in Persian)
- Shokri, F. (2009). Comparative Study of Mortgage of Intangible Assets in Iranian and American Law. *Ph.D. Thesis*. Tarbiat Modares University. Faculty of Humanities. (in Persian)
- Tofigh, A. (1994). *Applied Banking Law*. Tehran: Ashkan Publications. Vol. 1. (in Persian)

Articles

- Auckenthaler, Franck (2005). Compensation, garantie, cession : le nouveau régime des obligations financières, JCP.
- Aynès, Laurent (2007). Le nouveau droit du gage, Dr. et patr. juill.-août. 48 s., spéc.
- Bourassin, Manuella (2014). Sûretés mobilières et sûretés immobilières, une véritable summa divisio ?, RD banc. fin. sept.-oct.
- Gljsbers Charles et Julienne, Maxime (2015). La clause de blocage conservatoire du compte nanti, RLDC janv.
- Synvet, Hervé (2007). Le nantissement de compte, Dr. et patr. no 161, juill.-août.

Jurisprudence

- Civ. 2e, 2 juill. 2020, no 19-11.417, D. 2020. 1452; Rev. prat. rec. 2020. 6, obs. D. Cholet; Rev. prat. rec. 2020. 7, obs. D. Cholet.
- Com. 12 juill. 2005, no 04-10.214, Bull. civ. IV, no 175, D. 2005. 2142, obs. X. Delpech, JCP 2005. I. 185, no 17, obs. Ph. Delebecque.
- Com. 14 janv. 2014, no 12-22.909, D. 2014. 206, obs. A. Lienhard; JCP 2014. Doctr. 636, no 7, obs. Ph. Pétel.
- Com. 15 oct. 1991, no 90-10.530, Bull. civ. IV, no 91, RTD com. 1992. 434, obs. M. Cabrillac et B. Teyssié.
- Com. 16 avr. 1996, no 94-14.618.
- Com. 19 mai 1980, Bull. civ. IV, no 293, D. 1980. 443, note A. Bénabent
- Com. 23 janv. 2001, no 98-10.974.
- Com. 26 mai 2010, no 09-13.388, Bull. civ. IV, no 94; RDC 2010. 13338, obs. A. Aynès ; D. 2010. 2201, note N. Borgia; RD banc. fin. juill.-août 2010, no 142, obs. A. Cerles; RTD civ. 2010. 597.
- Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 573.
- Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 57.